

## بررسی انتقادی چاپ «رساله تحقیقات سرحدیه»

نصرالله صالحی\*

### چکیده

روابط ایران و عثمانی با تشکیل کنفرانس ارزنة الروم (۱۲۵۹ق) و انعقاد عهدنامه دوم ارزنة الروم (۱۲۶۳ق) وارد مرحله جدیدی شد. به موجب این معاهده، مقرر شده بود، تا با تشکیل کمیسیونی، مناطق مرزی دو کشور تعیین حدود گردد. میرزا جعفرخان مشیرالدوله به عنوان نماینده ایران در کمیسیون مزبور، در زمان مأموریت خود، صدها نامه خطاب به دولتمردان ایران درباره روند تعیین حدود ارسال نمود. به جز آن، گزارش مأموریت خود را به صورت مبسوط با عنوان «رساله تحقیقات سرحدیه» تدوین و در ۱۲۷۲ق به صدر اعظم وقت تقدیم کرد. این رساله، به عنوان نخستین اثر مهم در زمینه مرزهای ایران و عثمانی، به مثابه یگانه مأخذ منحصربه فرد مورد استناد نمایندگان ایران در کمیسیون های متعدد تعیین حدود بود. این اثر تنها یک بار در سال ۱۳۴۸ش به اهتمام محمد مشیری به چاپ رسیده است. سوگ مندان، با گذشت ۴۹ سال، هنوز پژوهشی انتقادی درباره این متن صورت نگرفته است تا میزان صحت و وثاقت آن مورد ارزیابی و سنجش قرار گیرد. در مقاله حاضر برای نخستین بار به این موضوع پرداخته شده است.

**کلیدواژه ها:** میرزا جعفرخان مشیرالدوله؛ رساله تحقیقات سرحدیه؛ تعیین حدود؛ ایران و

عثمانی

تاریخ دریافت: ۹۷/۶/۱۲ تاریخ پذیرش: ۹۷/۹/۳

\* استادیار گروه مطالعات اجتماعی دانشگاه فرهنگیان / salehi.nasr@gmail.com

## مقدمه

روابط ایران و عثمانی، برای سده‌های متمادی، همیشه توأم با جنگ و صلح بود. در دوره‌های مختلف عهدنامه‌های متعددی بین دو کشور به منظور پایان دادن به اختلافات منعقد شد. عهدنامه دوم ارزنة الروم مهم‌ترین معاهده‌ای است که در ۱۶ جمادی‌الثانی ۱۲۶۳ق/ ۱۳ مه ۱۸۴۷ با وساطت روس و انگلیس بین دو کشور امضا شد. به موجب ماده سوم این معاهده، مقرر شده بود که کمیسیونی چهارجانبه برای تحدید حدود ایران و عثمانی تشکیل شود. لذا نمایندگان چهار دولت در بغداد گرد آمدند تا بعد از تهیه مقدمات، کار تحدید حدود را از محمره/خرمشهر آغاز کنند. دولت ایران میرزا جعفرخان مشیرالدوله و دولت عثمانی درویش‌پاشا را به‌عنوان نمایندگان خود انتخاب کردند. نمایندگان روس و انگلیس به ترتیب سرهنگ چریکف و سرهنگ ویلیامز بودند.

نخستین جلسه کمیسیون در ۱۴ ربیع‌الاول ۱۲۶۶ق/ ۲۸ ژانویه ۱۸۵۰م در محمره تشکیل شد و آخرین جلسه آن در ۲۹ ذی‌قعدة ۱۲۶۸ق/ ۱۴ سپتامبر ۱۸۵۲ در آغری‌داغ برگزار شد و به کار خود پایان داد. مأموریت کمیسیون دو سال و هشت ماه و پانزده روز طول کشید. در این مدت، کمیسیون یک سال و هفت ماه هم با فترت مواجه شد. در مجموع، کمیسیون تحدید حدود هشت بار در محمره و سه بار در زهاب تشکیل جلسه داد.

مشیرالدوله در طول برگزاری کمیسیون، جریان مذاکرات به‌ویژه مشکلات پیش رو را با وزیر خارجه، صدراعظم و نیز برخی رجال دیگر در میان می‌گذاشت. در این زمینه، صدها نامه از او خطاب به رجال مختلف باقی مانده است.<sup>۱</sup> مشیرالدوله علاوه بر این نامه‌ها، شرح مأموریت خود را از آغاز تا پایان در قالب گزارشی مبسوط با عنوان «رساله تحقیقات سرحدیه» در سال ۱۲۷۲ق تدوین و به صدر اعظم وقت، میرزا آقاخان نوری، تقدیم کرد. این رساله در واقع نخستین اثر مستقل و مهم در زمینه تحدید حدود ایران و عثمانی است که به قلم یکی از زبده‌ترین رجال وزارت امور خارجه ایران تدوین شده است. این رساله به‌عنوان مهم‌ترین سند مرتبط با مرزهای غربی، به‌ویژه درباره کم‌وکیف تحدید حدود ایران و

۱. بیشتر این نامه‌ها در بایگانی وزارت امور خارجه موجود است. تنها تعدادی از آنها در جلد اول و دوم گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی منتشر شده است.

عثمانی، اهمیتی منحصر به فرد داشت و همیشه مورد استفاده و رجوع نمایندگان ایران در کمیسیون‌های تحدید حدود بود. همچنین تمام محققان داخلی و خارجی که به نوعی به موضوع مرزهای ایران و عثمانی پرداخته‌اند، بارها به این اثر استناد کرده‌اند. با این همه بعد از گذشت ۴۹ سال از انتشار آن، هنوز درباره خود این اثر پژوهشی صورت نگرفته است. سوگ‌مندانه‌تر این‌که هنوز چاپ این اثر که به اهتمام محمد مشیری انجام پذیرفته، مورد بررسی انتقادی قرار نگرفته تا وثاقت آن مورد ارزیابی و سنجش قرار گیرد. در نوشتار حاضر برای نخستین بار به این موضوع پرداخته شده است.

## ۱. زندگی

میرزا سیدجعفرخان حسینی تبریزی پسر میرزا محمدتقی حسینی، وزیر تبریز، بود. وی مقدمات علوم عربی و ادبی و مختصری از علوم دیگر را در تبریز فراگرفت و جزو پنج نفر اول از گروه محصلین اعزامی به اروپا، به دستور عباس میرزا برای تحصیل علوم مهندسی در سال ۱۲۳۰ ق راهی لندن شد (محبوبی اردکانی، ۱۳۵۴: ۱/۱۸۰؛ مینوی، ۲۵۳۶ [= ۱۳۵۶ ش]: ۳۸۱). کاروان پنج‌نفره بعد از چند سال تحصیل در لندن در اواسط محرم ۱۲۳۵ ق وارد تبریز شد.

میرزا جعفرخان در علم هندسه و فنون قلعه‌سازی و توپخانه تحصیل کرد (اقبال، ۱۳۲۴: ۴۳). پس از بازگشت به فرمان عباس میرزا نایب‌السلطنه به آموزش علوم ریاضی در تبریز پرداخت و مهندس‌خانه‌ای نیز بنا کرد. پس از چندی به دلیل حسن خدمت از سوی عباس میرزا لقب «مهندس‌باشی» گرفت و قریه «ورنکش» در گرمود به‌عنوان تیول به او واگذار شد (محبوبی اردکانی، ۱۳۵۴: ۱/۱۸۰). در فرمانی که میرزا ابوالقاسم قائم مقام به دستور عباس میرزا برای وی صادر کرد، دانش، مهارت و معلومات او این‌گونه برشمرده شده است:

... میرزا جعفر مهندس که در بدایت جوانی حسب‌الاشاره به تحصیل علوم هندسی و ریاضی و تکمیل آداب نظام به مملکت انگلیس مأمور شد پس از مدتی که حصول علم مأمور به را حائز بحضور باهرالنور فائز گشت، او را در علم و عمل بر وجه اتم و اکمل آزمودیم. فی‌الحقیقه در حساب و هندسه و فنون ریاضی و تعیین قلعه سنگر و ترتیب

لشکر و معسکر کامل و ماهر بود و ذهن و قیادتش و فکر نقادش در حل اشکال هندسی بر  
مقترعات اقلیدس و مخترعات بطلمیوس غالب و قاهر در ازای این حسن تعلم بر همگان  
تقدم یافته مهندسین سرکار اشرف را باشی و خدمات شایسته از او ناشی گشته ... (اقبال،  
۱۳۲۴: ۴۴).

میرزا جعفرخان علاوه بر آموزش ریاضی، اثر مهمی هم درباره ریاضیات با عنوان «قواعد  
کلیه علم حساب و هندسه» تألیف نمود<sup>۱</sup> و از این رو، در تاریخ ریاضیات ایران دارای جایگاه  
ویژه‌ای است.

میرزا جعفرخان، در سال سوم سلطنت محمدشاه، به لقب «مشیرالدوله» ملقب شد و در  
۱۲۵۲ق به سفارت دربار عثمانی اعزام شد و تا اواخر سال ۱۲۵۹ق در استانبول به کار  
سفارت اشتغال داشت. در سال مذکور حاجی میرزا آقاسی صدراعظم، مشیرالدوله را از  
استانبول به ایران خواست تا به عنوان نماینده ایران در کنفرانس ارزنة الروم راهی آن شهر شود.  
وی به این منظور به تهران آمد و سپس برای انجام مأموریت راهی تبریز شد، در این شهر به  
دلیل بروز کسالت جدی قادر به انجام مأموریت نشد و لذا میرزا تقی خان امیرنظام به جای او  
عازم ارزنة الروم گردید (اقبال، ۱۳۲۸: ۳۵).

مشیرالدوله از سال ۱۲۵۹ق تا زمان درگذشت محمدشاه (۱۲۶۴ق) در تبریز در خدمت  
ناصرالدین میرزای ولیعهد بود. پس از این که میرزا تقی خان وزیرنظام ولیعهد را به طرف  
تهران حرکت داد، مشیرالدوله را به عنوان «کارپرداز مهم خارجه» منصوب و به اقامت در  
تبریز مأمور کرد (محبوبی اردکانی، ۱۳۵۴: ۱۸۰/۱؛ اقبال، ۱۳۲۴: ۴۷).

## ۲. مأموریت تحدید حدود

روابط پرفراز و نشیب ایران و عثمانی در طی سده‌های متمادی منجر به وقوع جنگ‌های  
متعدد و نیز انعقاد عهدنامه‌های گوناگون شد. آخرین و مهم‌ترین معاهده منعقد شده که اساس  
حل اختلاف‌های دو دولت گردید، عهدنامه دوم ارزنة الروم بود. عهدنامه مزبور بعد از حدود

۱. این اثر به صورت چاپ سنگی در ۱۲۶۳قمری در تهران منتشر شده است. متن کامل آن از سایت کتابخانه ملی  
قابل دریافت است.

چهار سال مذاکره نمایندگان دو کشور با وساطت نمایندگان روس و انگلیس در ۱۶ جمادی‌الثانی ۱۲۶۳ق/۱۳ مه ۱۸۴۷م منعقد شد.

بر اساس ماده سوم عهدنامه دوم ارزنة الروم، مقرر شده بود که کمیسیون چهارجانبه برای تحدید حدود ایران و عثمانی تشکیل شود. مشیرالدوله که از شوال ۱۲۶۴ق از سوی امیرکبیر در تبریز کارپردازی مهم خارجه را برعهده داشت، در ربیع‌الاول ۱۲۶۵ق به‌عنوان نماینده ایران مأموریت یافت تا در کمیسیون چهارجانبه حضور یابد. امیرکبیر در یکی از نامه‌های خود خطاب به او از عمق علاقه خود به مشیرالدوله و نیز دلیل انتخاب او به مأموریت تعیین حدود سخن گفته است:

... می‌دانید که قلباً به شما محبت دارم و هیچ چیز از شما مضایقه ندارم، زیرا که می‌دانم که چقدر به کار خدمت دولت می‌آید و تا چه حد غیرت ملت و خاک خود را دارید و به چه طریق دلسوزی و غمخواری در خدمات دولتی می‌نمائید. بحق خدا و به حقیقه مبارک شاهنشاه، روح‌العالمین فدا، قسم است اگر می‌دانستم کسی دیگر از عهده خدمت سرحد برمی‌آید هرگز نمی‌خواستم از من دور باشید. حالا هم به همین امید هستم که ان‌شاءالله به یمن اقبال و بخت بلند شاهنشاه، جمجاه روحنا فدا، بعد از انجام این خدمت به سلامت و سعادت از این سفر معاودت نمائید و کمک حالی برای من باشید و مادام‌العمر با هم باشیم... (اقبال، ۱۳۸۵: ۲۳۸).

### ۳. رساله تحقیقات سرحدیه

مأموریت مشیرالدوله برای شرکت در کمیسیون چهارجانبه از اوایل سال ۱۲۶۶ق آغاز شد. نخستین جلسه کمیسیون در ۱۴ ربیع‌الاول در محمره تشکیل شد. کمیسیون در ۲۹ ذی‌قعدة ۱۲۶۸ق در آغری داغ/آرارات به کار خود پایان داد. طول دوران مأموریت دو سال و هشت ماه و پانزده روز بود. مشیرالدوله در طول این مدت، به جز ارسال کتابچه‌های مربوط به تحدید حدود (گزیده اسناد سیاسی ...، ۱۳۶۹: ۱، ۳۴۰-۳۲۷) گزارش‌ها و نامه‌های زیادی درباره روند کار کمیسیون تحدید حدود و غیره به تهران ارسال کرد. نوشته‌های مشیرالدوله به رؤیت شاه، صدراعظم و وزیر خارجه می‌رسید. هر یک از آنها بنا به شرایط و مقتضیات، دستورات لازم را ابلاغ می‌کردند. از یادداشتی که ناصرالدین‌شاه برحاشیه یکی از

کتابچه‌های مشیرالدوله نوشته (فهرست اسناد مکمل، ۱۳۸۳: ۴۳۳) پیداست که شخص شاه از نزدک روند مسائل مربوط به کمیسیون تحدید حدود را دنبال می‌کرده است. مشیرالدوله به جز نامه‌ها، گزارش‌ها و کتابچه‌هایی که در طول دوران مأموریت نوشته و به مرکز ارسال کرده، درست سه سال بعد از پایان مأموریت، گزارش جامع و مبسوطی از روند آغاز و انجام کار کمیسیون چهار جانبه با جزئیات بسیار به نام «رساله تحقیقات سرحدیه» به رشته تحریر درآورده است. این اثر در اوایل سال ۱۲۷۲ق تألیف و در شوال ۱۲۷۳ق «تسوید و استنساخ» شده است. علاوه بر مشیرالدوله، دیگر نمایندگان حاضر در کمیسیون چهارجانبه نیز شرح مأموریت خود را به تفصیل نوشته‌اند. مشیرالدوله در آغاز رساله درباره علت تدوین آن می‌نویسد:

این مختصر رساله‌ای است در تحقیقات سرحدیه که بنده درگاه جهان‌پناه، جعفر حسینی، ملقب به مشیرالدوله، در ایامی که به اتفاق مأموران دول ثلاثه عثمانیه و انگلیس و روس به حدود دولتین علیتین ایران و عثمانی مأمور بود، نظر به اقتضای مأموریت خود غوررسی کرده و متن واقع اوضاع سرحد مزبور و حق دولت علیه را برحسب قرارنامه دولتین که آخرین معاهده طرفین است به انضمام خیال اولیای دولت عثمانی که از تقریرات و تحریرات و حرکات مأموران دولت مشارالیهما و سایر قراین خارجی که صراحة یا حدساً استنباط شده است، با برخی حالات و گزارشات لازمه الاختیار به خیال این که شاید عمر فدوی به اتمام خدمت تحدید حدود وفا نکند و این‌گونه توضیحات لازمه علاوه بر روزنامه‌ها و سواد کتب رسل و رسایل سرحدیه و نقشه‌ای که ترسیم شده است ضرورت به هم رسانید به کار دین و دولت برآید بر حسب الاشارة [...] جهت مزید استحضار اولیای دولت علیه قلمی می‌نماید (مشیرالدوله، دست‌نویس مجلس، ۱-۲).

مشیرالدوله در «خاتمه» اثر، بار دیگر با اشاره به هدف خود از تألیف رساله تحقیقات سرحدیه، بر ضرورت محرمانه ماندن محتوای آن تا زمان حل و فصل نهایی اختلافات ارضی ایران و عثمانی تأکید کرده است. او می‌نویسد:

چون تمامی فقرات این کتابچه موافق تحقیقات و استکشافات فدوی همگی از روی صداقت و حقیقت قلمی شده و اغماضی در تحریر فقرات ضاره و نافع دولت منظور

۱. سه سطر القاب برای میرزا آقاخان نوری آورده است.

نگردیده است، بسا مطلبی که افشاء و اظهار آن تا گذشتن امر سرحد منافی مصلحت دولت است محض آگاهی اولیای دولت علیّه به عنوان حقانیت درین کتابچه ثبت و مندرج گشته است. لهذا، استدعا از محرمان اسرار دولت و خواص نیکخواهان ملک و ملت آن که تا گذشتن تمامی مسایل سرحدیه و حلّ مشکلات و حسن اختتام امر تحدید حدود فقرات این کتابچه را محرمانه منظور داشته از اطلاع بیگانه و یگانه غیر مطمئن مصون دارند و هرگز در حقّ تحدید حدود بغیره از فقره دویم و سیم قرارنامه و نصّ صریح این دو فقره و معاهده مستند دیگر را معتبر نشمارند (همان: ۲۱۰-۲۰۹).

رساله تحقیقات سرحدیه با این که بعد از تألیف انتشار نیافت، اما از همان زمان تألیف در نزد رجال درجه اول کشور کاملاً شناخته بود، به ویژه کسانی که به نوعی درگیر مسائل مربوط به حدّ و حدود ایران و عثمانی بودند بیشتر اوقات نسخه‌ای از این کتاب را در اختیار داشتند. برای نمونه در دستورالعمل حاجی محمودپاشا که از سوی وزیر خارجه ایران، میرزاسعیدخان، در سال ۱۲۷۵ق مأمور محافظت از سرحدات بوده، درباره اهمیت رساله تحقیقات سرحدیه تأکید و بر لزوم رعایت مفاد آن این گونه سفارش شده است: نسخه‌ای که از آن کتابچه برای استحضارات و اطلاعات آن عالیجاه داده شده است باید با کمال دقت و هوشیاری همه وقت به آن کتابچه ملاحظه نماید و آگاهی از تحقیقات خطوط سرحدیه شوکتین اسلام حاصل کند (نصیری، ۱۳۷۱: ۱۱۸/۳).

و باز در ادامه، از او خواسته شده اگر چنانچه عبدالله بیگ، مأمور دولت عثمانی، بخواهد در باب هر یک از نقاط خطوط سرحدیه حرفی بزند «بدون رجوع به کتابچه مزبوره مکالمه و مذاکره ننماید که مبدا خدانکرده خبط و خطایی واقع شود و مورد بحث و ایراد آید» (همانجا). در ادامه، درباره جامعیت رساله مشیرالدوله و این که می تواند به عنوان «دستورالعمل» مبنای کار قرار گیرد، می نویسد:

خلاصه، حالت جمیع سرحدات دولت علیّه، از تحقیقات کتابچه سرحدیه که جناب مشیرالدوله نوشته است و به شما داده [شده] است، از ملاحظه تفصیلات آن به شما معلوم خواهد شد، همان کتابچه دستورالعمل وافی است (همان: ۱۲۴/۳).

در پایان دستورالعمل، در خصوص محرمانه بودن رساله مشیرالدوله چنین سفارش شده است:

کتابچه سرحدیه مرقومه جناب مشیرالدوله که به شما داده شد و این کتابچه و سایر کتابچه‌های سنّوال و جواب دایره را احدی نباید غیر از خودتان ببیند ... (همان: ۱۲۶/۳).

توجه رجال وزارت خارجه به رساله مشيرالدوله تنها به مورد يادشده محدود نمى شود و اسناد حاكى از استمرار توجه و استناد به اين اثر در دوره هاى مختلف است. چنان كه در سال ۱۲۹۱ق نسخه اى از آن به دستور ميرزا نصرالله خان، نايب اول وزارت خارجه، و در ۱۳۰۸ق نسخه اى ديگر به دستور ميرزا عباس خان قوام الدوله، وزير امور خارجه، و باز نسخه ديگرى در ۱۳۲۸ق به دستور ميرزا جهانگير خان ناظم الملک، نايب رئيس كميسيون تحديد حدود، استنساخ شده است.<sup>۱</sup>

رساله مشيرالدوله با تمام اهميت و كاربرى كه داشت، بعد از تاليف همچنان محرمانه و منتشر نشده باقى ماند. عجيب آن كه بعد از حل و فصل نسبي اختلافات مرزى ايران و عثمانى، باز هم اين اثر به صورت نسخه خطى و ناشناخته باقى ماند تا اين كه نخستين بار فريدون آدميت در سال ۱۳۲۳ش در تاليف كتاب «اميركبير و ايران» از نسخه خطى آن بهره فراوان برد (آدميت، ۲۵۳۵ [= ۱۳۵۵ش]: ۷۷۱).<sup>۲</sup> بعد از او محمود فرهادمعمد در سال ۱۳۲۶ش در تاليف كتاب «تاريخ روابط ايران و عثمانى» از نسخه خطى وزارت امور خارجه استفاده كرد (فرهادمعمد، ۱۳۲۶: ۳۷-۴۸). دو سال بعد، عباس اقبال در نوشته مختصرى با عنوان «چند سفرنامه از سفر اى ايران» به طور كوتاه به معرفى آن پرداخت نوشت: مشيرالدوله شرح مأموريت و كليۀ مسائل مربوط به سرحد را با دقت و توجه خاصى در رساله اى مدون كرده است. و در ادامه افزود:

يكى از بهترين آثارى است كه از مأمورين وزارت امور خارجه ايران باقىست، ولى بدبختانه تاكنون به چاپ نرسيده است (اقبال، ۱۳۲۸: ۳۵).

وى در جاي ديگر با اشاره به اهميت اين اثر، عدم انتشار آن را موجب تأسف دانست و نوشت:

رساله درويش پاشا<sup>۳</sup> به تركى است به عنوان خاطرات درويش پاشا در سال ۱۲۸۶ق در

۱. براى آگاهى بيشتر نك: ادامه مقاله ـ «نسخه شناسى تطبيقى رساله تحقيقات سرحديه».

۲. وى در قسمت منابع تصريح مى كند كه نسخه اى از آن در وزارت خارجه، نسخه اى در نزد عباس اقبال، و نسخه اى هم در اختيار خود او بوده است.

۳. مشخصات كتاب شناختى اين اثر، كه به تازگى منتشر شده، بدین شرح است: لايحه تحديد حدود ايران و عثمانى (۱۲۶۶-۱۲۶۸ هجرى قمرى). درويش پاشا. ترجمه از تركى عثمانى: ميرزا جهانگير خان ناظم الملک مرندى يكانلو. تصحيح و پژوهش: نصرالله صالحى. تهران: طهورى، ۱۳۹۷، ۲۹۵ ص.



استانبول به طبع رسیده، ولی رساله سرحدیه مشیرالدوله که او آن را در اوایل سال ۱۲۷۲ق تألیف نموده و راجع به سرحدات غربی و ایلات ساکن در آن حدود اطلاعات بسیار نفیسی را متضمن است هنوز همچنان به حال نسخه خطی باقی است (اقبال، ۱۳۸۵: ۷۳).

خان ملک ساسانی نیز که نسخه‌ای از رساله تحقیقات سرحدیه را در کتابخانه وزارت خارجه دیده و عناوین برخی از فصول آن را نقل کرده، ضمن مقایسه آن با اثر درویش پاشا بر اهمیت رساله مشیرالدوله اشاره کرده و از عدم انتشار آن ابراز تأسف نمود (ساسانی، ۱۳۵۴: ۲۳۷ و ۲۳۹). رساله مشیرالدوله، با وجود اهمیت و استناد از سوی برخی محققان نظیر آدمیت و اقبال، همچنان منتشر نشده باقی ماند تا این که برای نخستین بار، ۱۱۵ سال بعد از تألیف، قسمت اندکی از آن در سال ۱۳۴۶ش در مجله بررسی‌های تاریخی منتشر شد (مشیرالدوله، ۱۳۴۶: ۱۲۸-۱۴۴). مدیر مجله در معرفی کوتاه آن نوشت:

رساله‌ای که از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد عین گزارشی است که مرحوم میرزا سیدجعفرخان مشیرالدوله، مهندس باشی، از مرزهای غربی ایران تهیه کرده است. این گزارش در اصل در دو نسخه نوشته شده که یک نسخه آن در آرشیو بایگانی وزارت امور خارجه ایران و دیگر نسخه آن نزد آقای محمد مشیری می‌باشد (قائم‌مقامی، ۱۳۴۶: ۱۲۸).

#### ۴. چاپ رساله تحقیقات سرحدیه

رساله تحقیقات سرحدیه در ۱۳۴۸ش، به اهتمام محمد مشیری توسط انتشارت بنیاد فرهنگ ایران انتشار یافت. پرویز ناتل خانلری به‌عنوان «دبیر بنیاد فرهنگ ایران» در معرفی کوتاهی که در سرآغاز همه کتاب‌های منتشرشده از سوی بنیاد می‌نوشت، درباره هدف بنیاد از انتشار منابع و مآخذ می‌نویسد:

برای آن‌که در تاریخ و جغرافیای تاریخی ایران تحقیقی جامع و کامل و دقیق انجام بگیرد،

۱. اقبال در تألیف این اثر از نسخه خطی اثر مشیرالدوله که در اختیار داشته بهره برده است (برای نمونه نک: اقبال، ۱۳۸۵: ۳۴، ۶۹ و ۷۲).

۲. با این‌که ناشر اشاره کرده که در این شماره «اصل و رونوشت رساله تحقیقات سرحدیه» را منتشر می‌کند، اما از انتشار تصویر نسخه خطی خودداری کرده و تنها استنساخ چند صفحه نخست را منتشر کرده است.

نخستین کار آن است که مآخذ و مدارک مهم و معتبر در دسترس محققان واقع شود. بسیاری از این آثار که در ادوار مختلف به زبان فارسی تألیف شده هنوز به چاپ نرسیده و چاپ بعضی دیگر با دقتی شایسته انجام نگرفته است [۳]. برای رفع این مشکل، بنیاد فرهنگ ایران می‌کوشد کتاب‌های فارسی را که از این جهت ارزش و اهمیت دارد و نسخه‌های خطی آنها از دسترس علاقه‌مندان دور است منتشر کند.<sup>۱</sup>

از توضیح فوق پیداست که هدف‌گذاری بنیاد فرهنگ ایران بسیار درست و به‌جا بوده، اما با بررسی دست‌کم یکی از آثار مهم منتشر شده از سوی بنیاد، به‌نام «رساله تحقیقات سرحدیه» می‌توان گفت که بنیاد مزبور در نیل به این هدف موفق نبوده است. ای‌بسا اگر رساله مشیرالدوله بعد از چاپ، نقد و بررسی می‌شد و اشکالات فراوان آن روشن می‌گشت، بنیاد فرهنگ ایران در نحوه انتشار دیگر منابع و مآخذ دقت بیشتری می‌کرد، اما متأسفانه اثر مزبور، نه در همان زمان که انتشار یافت و نه حتی در سال‌های بعد، مورد بررسی انتقادی قرار نگرفت تا میزان امانت‌داری مصحح و ناشر سنجیده شود. از این‌رو، چاپ بسیار مغلوپ و مغشوش رساله مشیرالدوله مبنای استناد ده‌ها مقاله، کتاب و پایان‌نامه قرار گرفت. تقریباً تمام کسانی که درباره تحدید حدود ایران و عثمانی و بعدها مرزهای ایران و ترکیه و ایران و عراق آثاری منتشر کرده‌اند، بدون استثنا به چاپ مزبور استناد کرده‌اند. تنها سه محقق در آثار خود به نسخه خطی رساله مشیرالدوله استناد کرده‌اند: فریدون آدمیت، محمود فرهاد معتمد و عباس اقبال.<sup>۲</sup>

مشیری در قسمت «توضیحات و تعلیقات» به وجود چهار نسخه از رساله مشیرالدوله اشاره کرده است:

نسخه اصل که در اختیار داشته و این نسخه‌ها: نسخه مجلس (ش ۲۷۷۵)، نسخه دانشکده ادبیات (ش ۱۶۵-ج)، نسخه وزارت خارجه (ش ۹۷۴)؛ و «دو نسخه موجود در کتابخانه ملی که یکی به شماره ۱۹۱۱ ب و دیگری فهرست نشده، هر دو نسخه بسیار بدخط و مغلوپ و افتادگی و پارگی‌هایی دارند» (مشیرالدوله، ۱۳۴۸: ۱۹۹).

۱. این فقره در آغاز کلیه کتاب‌های چاپ بنیاد فرهنگ ایران آمده است.

۲. البته این سه محقق سال‌ها قبل از چاپ رساله تحدید حدود از آن بهره برده‌اند. نگارنده در مقاله‌ای با عنوان «واکاوی اقدامات درویش‌پاشا در نخستین کمیسیون تحدید حدود ایران و عثمانی» نخستین بار به ایرادهای فراوان چاپ مشیری اشاره کرده است.

وی، نه در مقدمه و نه در توضیحات، به روش کار خود اشاره نکرده است. به احتمال قوی نسخه اصل را بدون مقابله با نسخه‌های بدل استنساخ و حروف چینی کرده و حتی یک سطر از آن را با متن نسخه برابرخوانی نکرده تا به صحت و درستی کار خود اطمینان یابد. به همین دلیل، کل اثر از آغاز تا پایان پر است از تصحیفات، تحریفات، بدخوانی‌ها، افزودها و افتادگی‌های بی‌شمار، از یک کلمه تا یک پارگراف. جز این موارد، به دلیل برخی اشکالات اساسی دیگر، متن اثر لطمه جدی دیده است. از جمله پرهیز از آوردن علائم سجاوندی در جاهای مناسب؛ خودداری از ضبط کلمات به صورت مشکول به‌ویژه اسامی جایها، ایلات و اشخاص در نقاط مرزی از خوزستان تا آذربایجان؛ حروف چینی نامناسب به‌ویژه بی‌توجهی به فاصله‌گذاری بین کلمات؛ و عدم غلط‌گیری نمونه مطبعی. همه این موارد موجب شده تا متن چاپی بی‌نهایت مغلوط، مخدوش، آشفته و عاری از وثاقت باشد. متأسفانه رساله تحقیقات سرحدیه به‌عنوان نخستین متن پدیدآمده در موضوع بسیار حساس و مهم تحدید حدود که هر کلمه از آن به جهت بار حقوقی از حیث منافع ملی و تمامیت ارضی دارای اهمیت بسیار زیادی است، در اثر سهل‌انگاری و بی‌دقتی مصحح و ناشر با چنین وضع اسفناکی به چاپ رسیده است و اسفناک‌تر آن‌که در ۴۹ سال گذشته هیچ‌یک از تاریخ‌پژوهان نسبت به وثاقت متن چاپی تردید نکرده و بارها به آن استناد کرده‌اند.<sup>۱</sup>

در اینجا برای نمونه چند مورد و در قسمت پیوست‌ها موارد بیشتری از تحریفات و نارسایی‌ها آورده می‌شود.

■ «میرزا تقی خان مرحوم به علت بی‌آشنائی و عدم استحضار از اراضی سرحدیه، ملکیت محمّره و سایر مطالب حقه این دولت نتوانست در آن مجالس ثابت نماید...» (مشیرالدوله، ۱۳۴۸: ۳۸).

در متن خطی «بی‌اسبابی» آمده است. بدخوانی کلمه موجب تحریف متن شده است. مشیرالدوله در این فقره، امیرکبیر را متهم به بی‌کفایتی کرده، اما دلیل آن را نه «بی‌آشنایی» بلکه «بی‌اسبابی» دانسته است. منظور از «بی‌اسبابی» یعنی در اختیار نداشتن اسناد و

۱. علاوه بر شمار زیادی از محققان ایرانی، پژوهشگران خارجی نیز در نوشتن آثار مرتبط با «تحدید حدود ایران و عثمانی» بارها به این اثر استناد کرده‌اند. برای نمونه (Ateş (2013)، Aykun (1995) و Sarıçioğlu (2013)، هر سه در نوشتن پایان‌نامه دکترای خود از این اثر فراوان استفاده کرده‌اند.

مدارک مستند برای دفاع از مالکیت ایران بر مناطق مورد اختلاف. این را نیز باید افزود که مشیرالدوله در داوری درباره عملکرد امیرکبیر به بیراهه رفته است.<sup>۱</sup>

■ «اگرچه صورت آن عهدنامه درمیان نیست ولیکن سوادنامه سلطان مرادخان راکه برای تصدیق عهدنامه نوشته و شما آنرا مستمسک سند در باب حدود، دستور ساخته اید...» (مشیرالدوله، ۱۳۴۸: ۶۴).

در متن خطی «سنور» به معنای حد و مرز آمده است نه «دستور»؛ و در واقع، دو کلمه «حدود» و «سنور» هم معنی هستند. مشیری «و» را جا انداخته و بعد، چون کلمه را اشتباه خوانده، تصور کرده با آورده و برگول معنا درست می شود. نحوه حروف چینی عبارت نیز به همان صورت است که آورده شد؛ یعنی عدم رعایت فاصله گذاری بین کلمات و خودداری از آوردن علائم سجاوندی در جاهایی که لازم است.

■ «با همه آن ریزش و تطمیع و تهدید و وعده معافی دو ساله آن جناب...» (همان: ۶۵).  
در متن خطی «ده» آمده است. منظور وعده معافی مالیاتی ده ساله نماینده عثمانی، درویش پاشا، به اتباع ایرانی مناطق سرحدی برای تطمیع آنها به منظور جلب نظر ایشان به دولت عثمانی بوده است.

■ «درویش پاشا با این که به هیچ وجه و هیچ وقت در تطمیع و تحریص و تهدید ایلات و عشایر این دولت و خسارات باطنی فرو گذاشت ننمود...» (همان: ۶۸).

کلمه بدخوانده شده است. صورت درست «فسادات» است.  
■ «شروط هر یک از عهود ماضیه قدیمه که بخصوصه با این معاهده حاضره نسخ و الغا شده است، قدرت و قوت آن باقی...» (همان: ۸۲).

بدخوانی کلمه موجب وارنه شدن معنا و مفهوم جمله شده است. در اصل چنین است: «شروط هر یک از عهود ماضیه و قدیمه که بخصوصه با این معاهده حاضره فسخ و الغا نشده است، قدرت و قوت آن باقی...».

■ «گویا به خلاف نص قرارنامه اخیر و به خلاف مضمون مواد عهدنامه سلطان مرادی که مستند او خودش...» (همان: ۹۵).

در اصل «سواد» آمده، نه «مواد».

۱. آدمیت [۲۵۳۵=۱۳۵۵ش]: ۱۳۸-۱۳۹) نظر مشیرالدوله درباره امیرکبیر را نقد کرده است.

■ «وقت انعقاد قرارنامهٔ اخیر در تصرف عشایر معروفهٔ ایران نبوده به سمت شویب آمده از یسار مجرای فاضل آب هور حویزه همین معجری مزبور گذشته...» (همان: ۹۶).

بدخوانی موجب تغییر مفهوم جمله شده است. در اصل چنین است: «وقت انعقاد قرارنامهٔ اخیر در تصرف عشایر معروفهٔ ایران نبوده به سمت سُویب آمده از یسار مجرای فاضل آب هور حویزه به یمین مجرای مزبور گذشته...»

■ «یک فرسخی رودخانهٔ کنگیر و دو فرسخی مندلیج و هم چنین کوه‌های جنوبی ایران است» (همان: ۹۸).

به دلیل ضبط نادرست جای نام، کوه‌های «ایوان» به کوه‌های «ایران» تبدیل شده است.

■ «در سایر ایام و اعصار هرگز استماع نشده است که از این ملک حالائی کردستان بلوکی را مدعی باشند یا دهی را از این ملک به عنوان تقاضا و مطالبهٔ دولتی اسماً به اسم ملک عثمانی ادعا نمایند مگر بعضی اهالی را که اسم آنها ذکر شد بطور تزویر بدون مطابقت بین تخطی و به خلاف...» (همان: ۱۳۶).

در فقرهٔ فوق تصحیف، تحریف و بدخوانی هر سه دیده می‌شود. در اصل چنین است: «در سایر ایام و اعصار هرگز استماع نشده است که از این ملک حالائی کردستان بلوکی را مدعی باشند یا دهی را از این ملک به عنوان تقاضا و مطالبهٔ دولتی رسماً به اسم ملک عثمانی ادعا نمایند، مگر بعضی دهاتی را که اسم آنها ذکر شد به طور تزویر بدون مطابقت بین تخطی و به خلاف...».

■ «در این کتابچه نیز در تعریف حد شمالی ترگور یمین اعتبار رود نازلو تعبیر شده است» (همان: ۱۵۸).

بدخوانی مفهوم جمله را به کلی تغییر داده است: «در این کتابچه نیز در تعریف حد شمالی، ترگور به همین اعتبار رود نازلو تعبیر شده است». برای نشان دادن تحریفات چاپ مشیری در اینجا به همین موارد بسنده می‌شود و نیازی به ذکر تمامی موارد نیست. موارد بیشتر و جزئی‌تر در پیوست آمده است (→ انتهای مقاله).

## ۵. نسخه‌شناسی تطبیقی رسالهٔ تحقیقات سرحدیه

دربارهٔ تعداد نسخه‌های موجود رسالهٔ تحقیقات سرحدیه و نیز محل نگهداری آنها تا کنون هیچ بررسی مستقلی انجام نشده است. بررسی حاضر روشن می‌سازد که نسخهٔ اصلی چه زمانی تألیف و در کجا نگهداری می‌شود. جز آن، چگونگی و چرایی «تسوید و استنساخ»

نسخه‌های دیگر نیز دانسته می‌شود. نخست مشخصات یازده نسخه موجود رساله تحقیقات سرحدیه را می‌آوریم و سپس نتیجه مطالعه تطبیقی نسخه‌ها را بیان می‌کنیم.

۱. ۱۲۷۲ق / نسخه وزارت امور خارجه؛ با این مشخصات: جلد تیماج به رنگ سیاه با حاشیه نازک طلائی، به قطع ۲۱×۱۶/۵ سانتیمتر، ۹۱ برگ، کاغذ خان‌بالغ، خط شکسته نستعلیق، مرکب سیاه (بیانی، ۱۳۵۴: ۲۷۹).

این نسخه در آرشیو وزارت خارجه با عنوان «گزارش ۱» ثبت شده است. نگارنده تصویر (افایل) این نسخه را در ۹۶/۱/۲۳ در آرشیو وزارت امور خارجه ملاحظه و مرور کرد. این نسخه که با یک رسم‌الخط تحریر شده، به‌طور حتم از روی نسخه اصل استنساخ شده است. خط آن زیبا و خوانا است. برخی کلمه‌ها و جمله‌ها با مرکب قرمز تحریر شده، و نسخه دارای انجامه است:

... الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و الصلوة و السلام علی نبیه محمد و آله الطاهرین  
باطناً و ظاهراً. قد وقع الفراغ من التألیف فی اوایل سنة اثنین و سبعین بعد الالف و مأتین  
من الهجرة و تم الاستنساخ فی شهر شوال عن السنة المسطورة، سنة ۱۲۷۲.

این نسخه به احتمال زیاد از سوی میرزا محبعلی خان ناظم‌الملک، منشی مشیرالدوله، از روی مسوده<sup>۱</sup> کتابت شده است، زیرا در انجامه نسخه ملی (به شماره ثبت ۸۱۴۲۴۸) که در ۱۴ صفر ۱۲۹۷ق کتابت شده، آمده است:

هو الله المؤید و الکافی در شب سه‌شنبه صفرالمظفر توشقان نیل ۱۲۹۷، بتوفیقات خدا  
مقابل و تصحیح این نسخه با اصل نسخه که به خط مقرب‌الخاقان آقامیرزا محبعلی،  
ناظم دفترخانه وزارت جلیله خارجه که با مرحوم مشیرالدوله میرزا جعفرخان، اعلی‌الله  
مقامه، مأمور سرحدات بودند و این نسخه در دفتر وزارت خارجه است، به عمل آمد.

۲. ۱۲۷۲ق / نسخه وزارت امور خارجه؛ با این مشخصات: بدون جلد، به قطع ۲۱×۱۶/۵ سانتیمتر، ۹۸ برگ، کاغذ خان‌بالغ، خط شکسته نستعلیق، مرکب مشکی (بیانی،

۱. مسوده (مسوده)، عبارت است از پیش‌نویس یک اثر که در آغاز تألیف توسط مؤلف و به خط وی نوشته شده است. مؤلفان، تمام جرح و تعدیل‌های موردنظر خود را در مسوده اعمال می‌کردند تا اثر به شکل نهایی خود برسد و به همین دلیل، این‌گونه نسخه‌ها چندین پاکیزه نبوده و خط خوردگی و اضافات و اصلاحاتی در آنها دیده می‌شود. این قبیل نسخه‌ها همیشه به خط مؤلف بوده است، مگر این‌که نخست توسط دیگری نوشته شده و بعدها مؤلف در آنها اعمال نظر کرده باشد (نک: صفری آق‌قلعه، ۱۳۹۰: ۲۱).

همان). این نسخه در آرشیو وزارت خارجه با عنوان «گزارش ۲» ثبت شده است. نگارنده تصویر این نسخه را در ۹۶/۱/۲۳ در آرشیو وزارت امور خارجه ملاحظه و مرور کرد. برگ ۹۹ پ، آخرین برگ آن است. انجام و انجامه ندارد. رسم الخط آن یک دست نیست. بعضی جاها خط خوردگی دارد. به دو سه رسم الخط تحریر شده است. بعضی برگها دارای حاشیه است: گ ۷۵؛ سمت راست قسمت پایین برگهای ۹۵ تا ۹۸ پاره و کنده شده است. نسخه با این عبارت که قسمتی از آن کنده شده پایان می‌یابد:

موافق مصلحت دولت و ملت [...] حُسن انجام و مایه نیکنامی مؤید دولت جاویدفرجام  
آمد و الحمد لله و آخراً و الصلوة والسلام علی نبیه محمد و آله الطاهرین باطناً... (ادامه  
سطر پاره و کنده شده است).

این نسخه شاید نسخه اصل باشد. می‌توان حدس زد قسمتی به خط میرزا جعفرخان مشیرالدوله و قسمتی را نیز او نویسانده باشد. این نسخه بیشتر به مُسَوِّدَه شبیه است.  
۳. ۱۲۷۲ ق/ نسخه وزارت امور خارجه؛ نگارنده تصویر این نسخه را در ۹۶/۱/۲۳ در آرشیو وزارت امور خارجه ملاحظه و مرور کرد. فهرست‌نویس در یادداشت کوتاهی در ابتدای نسخه نوشته است:

رساله مذکور در ۲۰۰ صفحه شامل گزارش و شرح مذاکرات درباره سرحدات ایران و عثمانی که مؤلف به‌عنوان مأمور در این تحقیقات حضور داشته و وقایع را به رشته تحریر درآورده است. این رساله در دو نسخه [؟] در میان کتب خطی اداره [بایگانی وزارت خارجه] موجود است.<sup>۱</sup> کتاب حاضر در ردیف ۲۸ در ۲۰۰ صفحه و نسخه دیگر در ردیف ۲ (یادداشت بعدی)<sup>۳</sup> در ۲۳۳ صفحه نگارش یافته است.<sup>۴</sup> نسخه ردیف ۲ در حدود سی صفحه علاوه بر مطالب موجود این رساله، در مورد اراضی پشتکوه و حدود مرزی آن منطقه با عثمانی نگارش یافته است.<sup>۵</sup>

۱. فهرست‌نویس اشتباه کرده است. بنا به توضیحی که آوردیم باید پنج نسخه باشد. نسخه ردیف ۲ و نسخه شماره ۳ مذکور در فهرست بیانی (۱۳۵۴: ۲۷۹) یافت نشد.
۲. در جای دیگر نوشته ۸۲ که به احتمال قوی اشتباه تایپی است.
۳. نک: یادداشت بعدی.
۴. این نسخه با وجود تصریح فهرست‌نویس در بایگانی وزارت خارجه یافت نشد.
۵. مشخصات نسخه ۲۳۳ صفحه‌ای در فهرست بیانی (۱۳۵۴: ۲۷۹-۲۸۲) نیامده است. به احتمال قوی زمانی که او فهرست خود را تدوین می‌کرده، نسخه مزبور در دسترس نبوده است.

این نسخه به خطی خوش و خوانا تحریر شده است. برخی کلمه‌ها و عناوین با مرکب سرخ تحریر شده است. دارای رسم الخط یکدستی است. این نسخه را بیانی ندیده است (نک: بیانی، ۱۳۵۴: ۲۷۹-۲۸۲). بنابراین، در وزارت خارجه از رساله تحقیقات سرحدیه پنج نسخه موجود است و نه سه نسخه که بیانی معرفی کرده است. این نسخه دارای انجامه است:

... والحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً والصلوة والسلام علی نبیه محمد و آله الطاهرین  
باطناً و ظاهراً. قد وقع الفراغ من التألیف فی اوایل سنة اثنین و سبعین بعد الف و مأتین من  
الهجرة و تمّ التّسويد و الاستساخت فی شهر شوال المکرم سنة ۱۲۷۲.

۴. شوال ۱۲۷۲ ق / نسخه کتابخانه ملک؛ با این مشخصات: شماره: ۴۳۲۶/۱۷، جلد: رویه میشن سبز، خط شکسته نستعلیق، کاغذ فرنگی، ابعاد: ۲۵×۲۱/۹، ۱۶۹ برگ، ۱۸ پ-۵۹. در انجام این نسخه آمده است:

قد وقع الفراغ [الفراغ] من التألیف فی اوایل سنة اثنین و سبعین بعد الف و مأتین [۱۲۷۲]  
من الهجرة و تمّ التّسويد و الاستساخت فی شهر شوال المکرم ۱۲۷۲ (مشیرالدوله،  
دست‌نویس ملک، گ ۱۱۶).

از تاریخ اخیر پیدا است که این نسخه همانند دو نسخه قبلی وزارت امور خارجه درست چند ماه بعد از تألیف، در شوال همان سال «تسويد و استساخت» شده است.

۵. اوایل ۱۲۷۲ ق / نسخه مشیری، مشیری می‌نویسد تصحیح بر اساس نسخه‌ای که در اختیار خود او بوده انجام گرفته است. وی درباره مشخصات آن می‌نویسد:

این نسخه به خط مؤلف (مرحوم مشیرالدوله) جَدّ اعلاّی مصحح است که در ۱۸۶ صفحه به قطع رقعی روی کاغذ آبی روسی مهر زده شده که با مسطر جدول‌بندی شده و با خط نسبتاً خوش نستعلیق شکسته نوشته شده است و از خط خوردگی‌ها و حواشی به خط مؤلف معلوم می‌شود که این نسخه، به اصطلاح امروزی، "مینوب" گزارش آن مرحوم بوده است (مشیرالدوله، ۱۳۴۸: ۱۹۸).

در انجامه این نسخه آمده است:

قد وقع الفراغ من التألیف فی اوایل سنة اثنین و سبعین و مأتین بعد الالف  
[بعدالف/۱۲۷۲] من الهجرة و تمّ التّسويد و الاستساخت فی شهر رجب المرجّب من



شهور ثلاث [ثلاثة] و سبعین و مائین بعد الالف [بعدالف] عن الهجرة، سنة ۱۲۷۳ هجری قمری (همان: ۱۹۳).<sup>۱</sup>

مشیری تصریح می‌کند که نسخه او متعلق به «جدّ اعلاّی» او بوده است؛ بنابراین می‌تواند به عنوان میراث خانوادگی به وی رسیده باشد. با توجه به این که نسخه اصل دیگری از رساله در بایگانی وزارت خارجه موجود است، می‌توان احتمال داد که مشیرالدوله دو بار رساله را تحریر کرده است. تحریر نخست یا مُسَوَّدَه و به تعبیر مشیری «مینوت»، یا پیش‌نویس که در نزد خود نگاه داشته و نسخه دوم که به وزارت خارجه سپرده است. این احتمال از آنجا قوت می‌گیرد که در جای دیگر نیز به دو نسخه بودن اصل اشاره شده است. مدیر مجله بررسی‌های تاریخی در معرفی کوتاه رساله می‌نویسد:

این گزارش در اصل در دو نسخه نوشته شده که یک نسخه آن در آرشیو وزارت امور خارجه ایران و دیگر نسخه آن نزد آقای محمد مشیری می‌باشد (قائم‌مقامی)، ۱۳۴۶: (۱۲۶).

و اما یکی از نسخه‌های وزارت خارجه که به یک رسم‌الخط به صورت زیبا و خوانا کتابت شده، به احتمال زیاد مُبَيَّضَه‌ای<sup>۲</sup> است به قلم میرزا محبعلی‌خان که بر اساس مسوّدَه متعلق به وزارت خارجه تحریر شده است.

۶. رجب ۱۲۷۳ق / نسخه دانشگاه تهران؛ با این مشخصات: شماره ۳۳۸۹۶، شکسته

۱. از انجام و انجامه نسخه می‌توان دریافت که اثر در ۱۲۷۲ق «تألیف» و یک سال بعد در ۱۲۷۳ق «تسوید و استنساخ» شده است. دوست پژوهشگر، آقای صفری آق‌قلعه، با ملاحظه انجامه نسخه چاپی مشیری اظهار داشتند که نسخه مشیری احتمالاً از روی مسوّدَه اولیه اثر که یک سال قبل در ۱۲۷۲ق نگاشته شده، نوشته شده است. و نیز این که مشیری اشاره می‌کند نسخه دارای خط‌خوردگی و اصلاحات است مؤید این نکته است که این نسخه هم مسوّدَه اثر بوده است. با این فرض، می‌توان گفت که دو مسوّدَه به قلم مشیرالدوله باقی مانده است، یکی محفوظ در نزد مشیری و دیگری در بایگانی وزارت خارجه. مشیری حتی یک برگ از نسخه خطی اثر را گراور نکرده تا دانسته شود نسخه اصل او کدام نسخه بوده است.

۲. مُبَيَّضَه، نسخه‌ای است که پس از تکمیل اثر توسط مؤلف، از روی مسوّدَه نوشته می‌شود. ممکن است مُبَيَّضَه یک اثر به قلم مؤلف باشد و ممکن است که به سفارش مؤلف، توسط کاتبی خوشنویس نویسانده شده باشد (نک: صفری آق‌قلعه، ۱۳۹۰: ۲۵). با توجه به این که میرزا محبعلی‌خان ناظم‌الملک، منشی و معاون مشیرالدوله در مأموریت تحدید حدود بوده و در خوشنویسی نیز تبحری خاص داشته، به احتمال قوی نسخه وزارت خارجه توسط او از روی مسوّدَه کتابت شده باشد. در جای دیگر به این قرینه اشاره کرده‌ایم (نک: همین مقاله ← توضیحات نسخه‌شناختی نسخه ملی به تاریخ ۱۴ صفر ۱۲۹۷ق).

نستعلیق، رجب ۱۲۷۳، عنوان شنگرف، چندجا در میانه سفید گذارده شده است، کاغذ فرنگی، جلد تیماج، عنابی، ضربی. ۹۳ گ، ۲۱×۱۶ - ۱۲×۱۵/۵×۹/۵. در انجام این نسخه آمده است:

قدوقع الفراغ من التألیف فی اوایل سنة اثنین و سبعین بعد الألف و مأتین من الهجرة ۱۲۷۲ و تمّ التّسويد و الاستنساخ فی شهر رجب المرجب من شهر ثلثه [ثلاثه] و سبعین و مأتین بعد الألف من الهجرة سنة ۱۲۷۳ (مشیرالدوله، دست‌نویس دانشگاه، برگ پایانی).  
از تاریخ اخیر پیدا است این نسخه یک سال بعد از تألیف در رجب ۱۲۷۳ ق «تسويد و استنساخ» شده است.

۷. ۲۴ رمضان ۱۲۹۱ ق / نسخه مجلس؛ با این مشخصات: شماره: ۷۵۲۶، جلد: تیماج، زرد، مجدول. خط نستعلیق، ۹۰ برگ (پ-۸۴)، ۲۱/۵×۱۵/۵ سانتیمتر، ۱۷ سطر، در انجام این نسخه آمده است:

قدوقع الفراغ من التألیف فی اوایل سنة اثنین و سبعین بعد الف و مأتین من الهجرة [۱۲۷۲]، و تمّ التّسويد و الاستنساخ فی شهر شوال المکرم سنة ۱۲۷۲.  
در انجامه نسخه آمده است:

حسب الفرمایش سرکار مقرب الخاقان معتمد السلطان خداوندگاری آقامیرزا نصرالله خان، نایب اول وزارت جلیله امور خارجه، دام مجده العالی، استنساخ و تحریر شد. مورخه ۲۴ شهر رمضان المبارک ۱۲۹۱ (مشیرالدوله، دست‌نویس مجلس، گ ۸۴ر).

۸. ۱۴ صفر ۱۲۹۷ ق / نسخه ملی؛ با این مشخصات: شماره ثبت: ۸۱۴۲۴۸، جلد: تیماج قرمز، ترنج و نیم ترنج، مقوائی، سرفصل‌ها با مرکب قرمز، فرسودگی، ناقص بودن صفحات، ابتدا و انتها و برخی قسمت‌های نسخه رطوبت دیده است. ۹۶ گ، ۹۰×۱۳۵، ۱۴ سطر. در انجام این نسخه آمده است:

قدوقع الفراغ من التألیف فی اوایل سنة اثنین و سبعین بعد الف و مأتین [۱۲۷۲] من الهجرة و تمّ التّسويد و الاستنساخ فی شهر شوال المکرم سنة ۱۲۷۲.  
در انجامه آن آمده است:

هو الله المؤید و الکافی، در شب سه‌شنبه ۱۴ صفر المظفر ۱۲۹۷ توشقان نیل، بتوفیقات خدا مقابله و تصحیح این نسخه با اصل نسخه که به خط مقرب الخاقان آقامیرزامجبعی، ناظم دفترخانه وزارت جلیله خارجه که با مرحوم مشیرالدوله میرزا جعفر خان، اعلی الله

مقامه، مأمور سرحدات بودند و این نسخه در دفتر وزارت خارجه است، به عمل آمد، آلا...<sup>۱</sup> که در اصل نسخه سهو شده باشد. حرّره محمد بن عبدالله النوری، خازن اسفار السّرّ، المشهور بفضله بصدیق همت رئیس دفاتر وزارت الخارجه صانه الله تعالی، فی الدارین من جمیع المکروهات (مشیرالدوله، دست‌نویس ملی، ش ۸۱۴۲۴۸، گ ۹۶). چنان‌که از انجامه برمی‌آید این نسخه از روی نسخه کتابت میرزامجبعلی خان که در وزارت امور خارجه است، استنساخ و تصحیح شده است.

۹. ۱۳۰۸ ق / نسخه مجلس؛ با این مشخصات: شماره: ۲۷۷۵، خط شکسته تحریری، قطع خشتی ۲۱×۱۳/۵ س - جلد تیماجی داغ کرده، صفحات ۳۴۳، ص ۱-۲۱۵ کاغذ فرنگی رگه‌دار و شکری نازک. این نسخه دارای چهار رساله دربارهٔ تحدید حدود است (حائری، ۱۳۹۰: ۲۲۰/۹-۲۱۶). در انجام نسخه آمده است:

قد وقع الفراغ من التالیف فی اوایل سنة اثین و سبعین بعد الف و مأتین [۱۲۷۲] من الهجره و تمّ التّسوید و الاستنساخ فی شهر شوال المکرم سنة ۱۲۷۲. کاتب بعد از انجام، در پایان متن، انجامه (ترقیمه) را بدین صورت رقم کرده است: بر حسب فرمایش جناب مستطاب اجل اکرم افخم اعظم قوام‌الدوله العلیه العالیه وزیر امور خارجه،<sup>۲</sup> ادام‌الله اقباله‌العالی، این کتابچه سرحدیه دولت علیه ایران را مع دولت عثمانی بنده درگاه، هادی ولد نصرالله‌خان غلام پیشخدمت نوری، منشی خارجه، نواده جناب جلالت‌مآب صدیق‌الملک، رئیس وزارت خارجه، تحریر کرد و بعد از اتمام هم مقابله و تصحیح نمود حتی المقدور فی جمعه غره ربیع‌الثانی هزار و سیصد و هشت هجری بارس نیل (مشیرالدوله، دست‌نویس مجلس، ۲۱۱).<sup>۳</sup>

۱۰. ۳ ربیع‌الثانی ۱۳۲۱ ق / نسخه وزارت خارجه؛ با این مشخصات: جلد مقوایی با روکش چرمی به رنگ عنابی، به قطع ۲۵/۵×۱۷/۵ سانتیمتر، ۱۰۴ برگ، کاغذ خان بالغ، خط نسخ زیبا، مرکب مشکلی، سرفصل‌ها با مرکب قرمز (بیانی، ۱۳۵۴: ۲۸۲). این نسخه در ۳ ربیع‌الثانی ۱۳۲۱ از سوی ولی‌الله علی در دو بخش استنساخ شده است: ۱. سی ورق

۱. یک کلمه به دلیل رطوبت‌دیدگی و تاشدگی خوانده نشد.

۲. میرزا عباس‌خان قوام‌الدوله وزیر خارجه ایران در سال‌های ۱۳۰۵-۱۳۱۴ قمری.

۳. به نوشته حائری (۱۳۹۰: ۲۱۸/۹) «این نسخه از روی نسخه اصلی نوشته» شده است. انجام این نسخه با انجام نسخه ملک دقیقاً یکی است، به نظر نگارنده به احتمال قوی از روی همان نسخه استنساخ شده است.

اول این مجموعه درباره طرز حکومت و تشکیلات دربار و وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی و وظایف آنها است. در انجام این بخش آمده است: «تمت القانون فی يوم السبت ۲۰ محرم الحرام ۱۳۲۱». ۲. رساله تحقیقات سرحدیه. در انجام و انجامه این رساله آمده است: قد وقع الفراغ من التألیف فی اوایل اثنین و سبعین بعد الألف و مأتین من الهجرة [۱۲۷۲] تم التّسويد و الاستنساخ فی ثالث شهر ربیع الثانی من احدی و عشرون و ثلاثمئة بعد الألف [۱۳۲۱] من الهجرة النبویة علی يد الاضعف الاحقر ولی الله ... (همان: ۲۷۹-۲۸۲؛ افشار، ۱۳۵۰: ۵/۱)

چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، این نسخه با این‌که در فهرست بیانی (۱۳۵۴: ۲۷۹-۲۸۲) به تفصیل معرفی شده است، در آرشیو وزارت خارجه موجود نیست.

۲.۱۱ ربیع الثانی ۱۳۲۸ ق / نسخه ملی؛ با این مشخصات: شماره: ۱۷۹۶۸-۵؛ جلد: تیماج یک‌لا، عنابی، اندرون کاغذ طرح ابره، کاغذ فرنگی نخودی، خط تحریری، ۱۲۳ برگ، ص ۲ب-۶۱ب، ۲۰-۱۷ سطر، اندازه سطرها: ۱۷۰×۹۵، قطع: ۱۶۰×۲۱۵. این نسخه حاوی پنج رساله بلند و کوتاه است که یک‌جا صحافی شده است. چهار رساله درباره حدود ایران و عثمانی است. رساله پنجم وصیت‌نامه پتر کبیر به زبان ترکی عثمانی است. در انجام رساله نخست این نسخه، رساله تحقیقات سرحدیه، آمده است:

قد وقع الفراغ من التألیف فی اوایل سنة اثنین و سبعین بعد الألف و مأتین [۱۲۷۲] من الهجرة و تم الاستنساخ فی شهر شوال من السنة المسطورة سنة ۱۲۷۲ (مشیرالدوله، دست‌نویس ملی، ش ۱۷۹۶۸-۵، گ ۱۱۸).

در انجامه رساله پنجم این نسخه آمده است:

تمت، تمام شد، حرره الاحقر علی اکبر مشکوة السلطان برحسب امر حضرت مستطاب اجل آقای [میرزا جهانگیرخان] ناظم‌الملک، دام اقباله العالی، در دارالسلطنه تبریز، ۲ شهر ربیع الثانی سنه ۱۳۲۸ (همان: برگ پایانی).

۱. این نسخه با سه خط کتابت شده است. از ابتدا تا نیمه صفحه ۳۳ الف به یک خط، و بعد از آن تا صفحه ۵۲ ب به خط دیگر، و از صفحه ۵۳ الف تا پایان نسخه با قلم سوم تحریر شده است.

## بررسی تطبیقی نسخه‌ها

۱. از ده نسخه موجود رساله تحقیقات سرحدیه،<sup>۱</sup> یک نسخه مسوده به قلم مؤلف، یک نسخه مبیضه به قلم منشی او، میرزا محبعلی خان و نیز نسخه مبیضه دیگر، هر سه به تاریخ ۱۲۷۲ق و یک نسخه مبیضه دیگر به تاریخ ۱۳۲۱ق در بایگانی وزارت امور خارجه است. از سرنوشت دیگر نسخه مسوده به قلم مؤلف، نسخه مشیری، خبری نداریم. دو نسخه ملک و تهران در زمان مؤلف استنساخ شده‌اند. نسخه ملک در سال تألیف و نسخه مشیری و دانشگاه یک سال بعد از تألیف استنساخ شده است. از پنج نسخه دیگر، دو نسخه به دستور مستقیم وزیر خارجه (میرزا عباس خان قوام‌الدوله) و نایب وزیر خارجه (میرزا نصرالله‌خان)، یک نسخه از سوی یکی از کارکنان وزارت خارجه و یک نسخه به درخواست ناظم‌الملک که از مأمورین تحدید حدود بوده استنساخ شده است. همه اینها نشان‌دهنده اهمیت رساله تحقیقات سرحدیه و کاربردی بودن آن در عرصه مسائل مربوط به مرزهای ایران و عثمانی است.

۲. «انجام» همه نسخه‌های مذکور به جز نسخه ملک، کم و بیش یکسان است: «قد وقع الفراغ من التألیف فی اوایل سنة اثنین و سبعین بعدالف و مأتین من الهجره [۱۲۷۲] و تمّ التّسويد و الاستنساخ فی شهر شوال المکرم سنة ۱۲۷۲». از «انجام» این نسخه‌ها چنین برمی‌آید که تألیف رساله در اوایل ۱۲۷۲ق و «تسويد و استنساخ» آن در همان سال (۱۲۷۲) پایان یافته است؛ اما انجام و انجامه نسخه مشیری و دانشگاه تهران چنین است: «قد وقع الفراغ من التألیف فی اوایل سنة اثنین و سبعین بعد الألف و مأتین من الهجره ۱۲۷۲ و تمّ التّسويد و الاستنساخ فی شهر رجب المرجب من شهر ثلثه [ثلاثه] و سبعین و مأتین بعد الألف من الهجره سنة ۱۲۷۳» (مشیرالدوله، دست‌نویس دانشگاه، برگ پایانی). از تاریخ اخیر پیداست این نسخه حدود یک سال بعد از تألیف، در رجب ۱۲۷۳ق «تسويد و استنساخ» شده است.

۱. نگارنده به جز نسخه شخصی مشیری که سرنوشت آن روشن نیست، بقیه نسخه‌ها را دیده و تصویر برخی را در اختیار دارد. با این حال، به نوشته مشیری (مشیرالدوله، ۱۳۴۸: ۱۹۹) «نسخه نسبتاً خوب» دیگری در اختیار فرهاد معتمد بوده که وی بدان اشاره کرده ولی نتوانسته از آن استفاده کند.

۳. دو نسخه مجلس به فاصله ۱۷ سال از هم «تسوید و استنساخ» شده است. نسخه سال ۱۲۹۱ق به دستور میرزانصرالله خان، نایب اول وزارت خارجه و نسخه ۱۳۰۸ به دستور میرزاعباس خان قوام الدوله، وزیر امور خارجه وقت استنساخ شده است. دستور استنساخ اثر مذکور از سوی ارکان وزارت امور خارجه، یعنی وزیر و نایب وزیر، در سال‌های مذکور حاکی از اهمیت موضوع و محتوای رساله و نیز حساسیت روابط ایران و عثمانی در سال‌هایی است که دستور استنساخ رساله صادر شده است.

۴. از نسخه‌های فهرست‌شده در بایگانی وزارت خارجه دو نسخه موجود نیست: الف: نسخه ردیف ۲ در ۲۳۳ صفحه. این نسخه در حدود سی صفحه، افزون بر محتوای رساله مشیرالدوله، مطالبی درباره اراضی پشتکوه و حدود مرزی آن منطقه با عثمانی دارد؛ ب: نسخه شماره ۳ مذکور در فهرست بیانی (۱۳۵۴: ۲۷۹-۲۸۲) در ۱۰۴ برگ.

### نتیجه

«رساله تحقیقات سرحدیه» در سال ۱۳۴۸ش به اهتمام محمد مشیری به چاپ رسید. این چاپ در طول نزدیک به پنج دهه با وجود این که مورد استفاده و استناد بسیار زیاد محققان بوده، اما هیچ‌گاه مورد بررسی انتقادی قرار نگرفته تا میزان وثاقت متن منتشرشده سنجیده شود. بررسی حاضر نشان داد که اثر انتشاریافته دارای اشکالات و ایرادات فراوانی است؛ از جمله: تصحیفات، تحریفات، بدخوانی‌ها، افزودها و افتادگی‌های بی‌شمار، از یک کلمه تا یک پارگراف، در آن دیده می‌شود. جز این موارد، به دلیل برخی اشکالات اساسی دیگر، متن لطمه جدی دیده است؛ از جمله پرهیز از آوردن علائم سجاوندی در جاهای مناسب؛ خودداری از ضبط کلمات به صورت مشکول به‌ویژه اسامی جایها، ایلات و اشخاص در نقاط مرزی از خوزستان تا آذربایجان؛ حروف‌چینی نامناسب به‌ویژه بی‌توجهی به فاصله‌گذاری بین کلمات، و عدم غلط‌گیری نمونه مطبعی. همه این موارد موجب شده که متن چاپی بی‌نهایت مغلوط، مخدوش، آشفته و عاری از وثاقت باشد. متأسفانه این اثر به عنوان نخستین متن در موضوع بسیار حساس و مهم تحدید حدود که هر کلمه از آن به

۱. مشخصات این نسخه در فهرست بیانی (۱۳۵۴: ۲۷۹-۲۸۲) نیامده است.

جهت بار حقوقی از حیث منافع ملی و تمامیت ارضی دارای اهمیت بسیار زیادی است، در اثر سهل‌انگاری و بی‌دقتی چاپ‌کننده و ناشر با چنین وضع اسفناکی منتشر شده است و اسفناک‌تر آن‌که در طول سال‌های گذشته هیچ‌یک از محققان نسبت به قابل اعتماد بودن متن چاپی تردید نکرده و بارها به آن استناد کرده‌اند.

با این توضیح، بایسته است که رساله تحقیقات سرحدیه با تصحیحی انتقادی - علمی به صورت منقح منتشر شود. علامه قزوینی درباره بازتصحیح نسخه‌هایی که به دست ناهلان به صورت مغشوش و مغلوط به چاپ رسیده و معارف بشری را خدشه‌دار کرده است و نیز ضرورت تصحیح دوباره آنها سخن ماندگاری دارد. می‌گوید: «نسخ خطی، همچنان مخطوط بماند هزار بار بهتر از آن است که مغلوط چاپ شود، زیرا که این عمل در واقع خیانتی است که به فرهنگ کشور می‌شود و حقی بزرگ از علوم و معارف بشری را تضحیح می‌کند. چه، قدر مسلم زیانش این است که دیگر کسی به این زودی‌ها در فکر تصحیح آن کتاب نمی‌افتد، و پس از چندی که در این حال گذشت و اغلاط در اذهان رسوخ یافت و سیم دغل بجای زر ناب رایج گردید، بلای استدراکش، اضعاف زحمتی است که باید در تصحیح خود کتاب کشید» (اصغری هاشمی، ۱۳۸۸: پیش‌نگاشت).

#### پیوست الف: (تصحیفات)

صفحات دست‌نویس مجلس	درست	نادرست	صفحات چاپ مشبری
۶	ایهام	ابهام	۳۹
۷	مواد	موارد	۴۰
۱۳	وعد	وعده	۴۵
۱۷	زیادتی	زیادی	۴۹
۱۷	شکرستان	بی‌شکرستان	۵۱
۱۹	تمار	تیمار	۵۴
۳۰ و ۳۱	جسان	حجان	۶۳ و ۶۴
۳۷	فسادات	خسادات	۶۸
۵۴ و ۷۷	بادرائی	باورائی	۷۹ و ۹۸

۵۷	شروط	شرط	۸۲
۶۵	انفاذ	نفاذ	۸۹
۷۰	عمار	عماره	۹۳
۷۲	قرنه	قربه	۹۵
۷۳	بادرانی	بادرانی	۹۵
۷۴	با (مجرای)	تا (مجرای)	۹۶
۷۴	با (منتهای)	تا (منتهای)	۹۶
۷۶	مشرق	شرق	۹۷
۷۷	میمه	میمنه	۹۸
۷۹	جبل	جبال	۱۰۰

پیوست ب: (تحریفات)

صفحات چاپ مشیری	نادرست	درست	صفحات نسخه خطی
۳۹	کلیتاً	ملکیتاً	۷
۳۹	بی‌آشنائی	بی‌اسبائی	۶
۴۰	به وی	به آن	۸
۴۲	محض	محقق	۱۰
۴۴	شهر	نهر	۱۱
۴۹	دانست	است	۱۷
۵۰	وجه فاصل	حدّ فاصل	۱۷
۵۲	سنگ خرابی	سنگ خراسی	۱۸
۵۳	اراضی خوزستان	اراضی عربستان	۱۸
۶۱	می‌نماید	می‌ماند	۲۷
۶۲	اصح الدلاله	واضح الدلاله	۲۸
۶۴	دستور	و سنور	۳۱
۶۵	معافی دو ساله	معافی ده ساله	۳۳
۶۶	عین رای	همین رأی	۳۴
۷۴	پادشاه است	پادشاه باشد	۴۵



۵۱	فعال لمایرید	فعال مایرید	۷۷
۵۵	از جانب شما	از جناب شما	۸۰
۵۷	مّمهد	ممهر	۸۱
۵۷	فسخ و الغا نشده	نسخ و الغا شده	۸۲
۵۷	فرامینی	قوانینی	۸۲
۵۷	بعض	به عرض	۸۲
۵۹	آخه	اخیره	۸۵
۶۴	کرخه	خود	۸۹
۶۷	شود	نبود	۹۱
۶۸	سّموم	معلوم	۹۲
۷۲	سوادى	موادى	۹۵
۷۳	نّموده	نبوده	۹۵
۷۴	به یمین	همین	۹۶
۷۴	مجرای	مجرى	۹۶
۷۷	ایوان	ایران	۹۸
۷۹	سید	شیخ	۹۹
۷۹	مملکت	ممالک	۱۰۰
۸۱	نسون	بتوان	۱۰۱

پیوست پ: (بدخوانی)

صفحات چاپ مشیری	نادرست	درست	صفحات نسخه خطی
۴۵	به	با	۱۲
۴۵	فراری‌ها	فراری	۱۲
۴۶	تبعه تجار	تبعه و تجار	۱۳
۴۶	هزار و دویست شصت و هشت	هزار و دویست و سی و هشت	۱۴
۴۷	و بعد از مباله	که بعد از مبادله	۱۴
۵۱	حال	حالا	۱۷

۵۱	عهد	عصر	۱۹
۵۴	و این	ولکن	۱۹
۵۷	شویب	سُوَیْب	۲۲
۵۷	شکوه	شَلَوَه	۲۳
۶۵	روانمی‌داشت	روا نمی‌دانست	۳۳
۷۸	قدمت ذاته	قدست ذاته	۵۳
۸۱	اصحاب کریمین	اصحاب گزین	۵۵
۸۷	طول	طولاً	۶۳
۸۹	جر/جریها	جو/جویها	۶۵
۹۲	ارض	اراضی	۶۹
۹۳	حداقل مابین	حدّ مابین	۷۰
۹۶	ممتد شود	ممتد شده	۷۵
۱۰۰	از پایین	از مابین این	۷۹
۱۰۰	بالا‌بند	بالا‌بند	۷۹
۱۰۰	زیر بند	زیربند	۷۹
۱۰۱	و با طغیان	و به اطمینان	۸۱

پیوست ت: (افتادگی‌ها)<sup>۱</sup>

صفحات چاپ مشیری	نادرست	درست	صفحات نسخه خطی
۳۴	ملک و ملت، عقاب دقیقه‌بینی	ملک و ملت و دولت پایدار تدابیر امور دولت، اوج عقاب دقیقه‌بینی	۲

۱. افتادگی‌ها تنها در حد کلمه، جمله یا عبارت نیست؛ گاه عنوان سرفصل که در نسخه‌های خطی اغلب با مرکب سرخ و قلم درشت از بقیه متن متمایز شده، در متنی چاپی مشیری به کلی افتاده است. برای نمونه: «و اما مملکت کردستان سنج» (ص ۱۲۵)، «سواد مضبطه اهل بانه که به تاریخ شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۶۸ خطاب به فدوی نوشته‌اند» (ص ۱۳۶)، «بلوکات سرحدیه ساوجبلاغ» (ص ۱۳۹) و ...

۳۹	قرارنامه‌ای را که	قرارنامه معینه را که	۶
۴۰	ایشان به وی گفتند	ایشان به آن مرحوم گفتند	۸
۴۱	که واقع شده	که در آنجا واقع شده	۹
۴۴	و هم اراضی شرقی	و هم اراضی ساحل شرقی	۱۱
۴۸	بدون سند و دلیل و نص صریح قرارنامه	بدون سند و دلیل و به خلاف نص صریح قرارنامه	۱۵
۴۹	هشت ماه امتداد یافت	هشت نه ماه امتداد یافت	۱۶
۵۱	عهد اسکندر و یونانیان	عهد اسکندر و غلبه یونانیان	۱۷
۵۲ و ۵۳	رویهم یک ایالت و به حکومت	رویهم یک ایالت و به اصطلاح حالانی به عربستان معروف و به حکومت	۱۸
۵۵	از یک فرسخ تا چهار فرسخ	از یک فرسخ تا سه چهار فرسخ	۲۰
۶۱	امضا دادن وکیل خود	امضا دادن به وکیل خود	۲۷
۶۲	این خیر	این خیرخواه	۲۸
۶۳	از محمره حوالی	از محمره تا حوالی	۳۰
۶۴	دولت ایران	دولت علیّه ایران	۳۱
۶۴	نوشته دولت	نوشته هیچ دولت	۳۱
۶۷	این جا	این جاها	۳۵
۷۹	جانب همایون	جانب همایون ما	۵۴
۸۵	این املاک و اراضی	باید این املاک و اراضی	۶۰
۸۹	مزارع و جریها [= جویها]	مزارع و باغات و نخلستانات آن بی آب و لم- یزرع و خراب مانده سوای برخی مزارع و جریها [= جویها]	۶۵
۹۰	سد هاشم	سد نهر هاشم	۶۶
۹۱	پس از چندین سال خرابی، باز اهالی آن	پس از چندین سال خرابی، باز معمور و اهالی آن	۶۷
۹۳	و بوزنقور	و عبیده، بوزنقور	۷۱
۹۴	شوره‌زار و خالی	شوره‌زار و ریگزار و خالی	۷۱

۷۳	مبداء خط سرحد را در سواد	مبداء خط در سواد	۹۵
۷۷	طایفه سگوند پشتکوه است	طایفه سگوند است	۹۸
۷۹	به واسطه تنگ مشهور	به واسطه مشهور	۹۹
۷۹	از تنگه موسوم به باجک به صحرای	از تنگه به صحرای	۱۰۰
۸۱	و قریب به توازی	و به توازی	۱۰۰
۸۱	بلکه بعضی هم طاغی	بلکه هم طاغی	۱۰۱
۸۱	مصطفی قلی خان	مصطفی خان	۱۰۱
۸۱	با جهت فرار سوق الشیوخ	با جهت سوق الشیوخ	۱۰۱
۸۱	و شدت خیالات	و خیالات	۱۰۱

پیوست ج: (افزودها)

صفحات نسخه خطی	درست	نادرست	صفحات چاپ مشیری
۲۲	در کنار شط العرب	در کنار کاران و شط العرب	۵۷
۶۷	در رودخانه واقع	در رودخانه کرخه واقع	۹۰
۶۹	بیست فرسخ	بیست و پنج فرسخ	۹۲



۱۹۰ رساله تحقیقات سرحدیه

ارومیه اشیاع نموده علاقه تام و تمام ملکی در آنجا بهم رسانیده اند، چنانکه تمامی دهات مسکونه محال مذکور عبارت از قریه نلو و توکنی و شیبان و مادونه (یکی) و بالولان و آوره و خانکه و هاروران و دوست آلان و (اشکانه) و عاقول است.

نیز افرادی که می گفتند نصف نلو و ثلث شیبان و تمامی حکمی و لولان و آوره و (یکه) و نیم خانکه و نصف هاروران و تمامی دوست آلان و (اشکانه) و دولت حسنی را طایفه هرکی اشیاع نموده است. فدوی در ایام برون سرحد کبیت را خدمت ابرایی دولت علیه معروض داشت که موجب استحضار گردیده، هم راه این مایه را سدکنند و هم بفرع میابمات گذشته تدبیری فرمایند، حقیقتاً حل این عهده از اهم مهم دولتی می باشد. در کوههای این محال جمعی از طایفه هرکی و بعضی از طوایف شکله (بلاشی) می نمایند، محل ییلاق طوایف مزبوره شکله دره دیری می باشد.

محال برادوست، از برخی جبال و تلال و مزارع و مراتع و دهاتی است که بعضی در اراضی مسطحه و بعضی در میان پشته و دره اتفاق افتاده، از طرف جنوب به اراضی محال ترگور و از طرف مشرق به اراضی اندرون ملکه ارومیه و از طرف شمال به تپه (الامان) و ریش کوه فضل که کوهل هم میگویند و نهر آبی از سمت کوه فضل با رشته همان ریش تا تپه (الامان) و به مشرق جاری و حد مابین برادوست و صومالی است و از طرف مغرب که سمت سرحد دولتین است به مسطه متصله کوه قندیل که ذرات متصله آن از سمت شمال بلاشی عبارت از گردنه دیلماری و گردنه نانویشوان یعنی نوزیشوان و کسوه اسکندر است، جلگه مسطح این محال قریب دو فرسخ طولاً و یک فرسخ و نیم عرضاً می شود، قلعه کنه مش که پیشترها محکمه این محال بوده است در جنوب این جلگه در کنه شمالی رشته کوه با بلوست اتفاق افتاده، اکنون قلعه مزبوره به علت صدمه که مرحوم محمد خان امیر نظام

۱- تمامی این محال جزو دهستان ترگور و بخش طرانا، شهرستان دزفاله و فلاد در تصرف ایران است.

۱۹۱ بلوکت سرحدیه ارومیه

بحکم دولت به آنجا زد، مخروبه و پهلوی آن قریه، بلد محکمه معموره است. دوه و تنگه موسوم به دره بازر که که مشتمل به دهات چند معمور و اسامی آنها بقرار تفصیل است: سیرو، (سی) و (با)، بازر که، (قورک) و (قوران)، قسران، چیلک، موده، شای، زیوه، سوره کان، زیری، کوله گیری (زوریک)، (اشکانه) سوزبان، (کولود)، اوپان (دیز مساک)، ایشکان، (الوشان) خانک (اشکانه) (الوشان) (الوشان) در مغرب جنوب این محال و مشرف بر آست، دره (کوه) و دهات واقع بود.

محکمی جزو محال برادوست و موافق معاملات ماضیه و بالخصوص به نص فقره سیم قراردادنامه اخیره ملک طلق دولت علیه ایران است (یکی) میباشان مشابهت بملاف عهد و شرط دینه مزبوره را که یکی از معایر و تنگهای مشرف با کوه و مساحت ایران است به ازغای اینکه جزو محال است در ایام غصب قطور غصب و تصرف کرده اند، مگر دو دهکده (سی) و (سی) را که در دهه دوه مزبوره و مشرف به جلگه برادوست اتفاق افتاده است، دودخانه برادوست که منبع آن رشته جباله کن بلاشی و گردنه دیلماری و کوه (سی) گردنه نوزیشوان و کوه اسکندر است، یعنی از طرف ناظر به اندرون مساحت ابرایی رشته مزبوره مرمی بخیزد، از میان همین دره بالذکر به جلگه برادوست جاری و موسوم برادوست گردنه در مشرق جنوب است. جلگه مذکور (بزرگ) ارضی ملحق و موسوم به رود ناز او می شود، این محال چه دهات و مزارع و چه جبال و مراتع مخصوص سکنی و زراعت و معیشت عسیرت شکله می باشد و عسیرت مزبوره هنگی رعیت دولت ایران و بقرار تقریر مردان آنجا قریب ده هزار خانوار است، وقت مرور فدوی قریب چهار صد خانوار آنها بانفاق هم آقا فراراً طرف خاک ششانی گذاشته. یوزقره

محال صومالی، عبارت از برخی جبال و تلال و مزارع و مراتع و دهاتی است که بعضی در اراضی مسطحه، بعضی در میان دره و پشته اتفاق افتاده از طرف

۱- این دهات تماماً مخروبه و فلا جزو خاک ایران هستند.

منابع

- آدمیت، فریدون (۱۳۳۵ [= ۱۳۵۵ ش]). امیرکبیر و ایران. تهران: خوارزمی، چاپ پنجم.
- اصغری هاشمی، محمدجواد (۱۳۸۸). شیوه نامه تصحیح متون: راهنمای تحقیق و احیای متون. قم: انتشارت دلیل ما.
- افشار، ایرج و محمدتقی دانش پژوه (۱۳۵۰). نشریه کتابخانه مرکزی درباره نسخه های خطی. دفتر اول. تهران: دانشگاه تهران.
- اقبال، عباس (۱۳۲۴). «احوال بزرگان: میرزاسید جعفرخان مشیرالدوله». یادگار، ش ۶: ۴۳-۵۰.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۲۸). «چند سفرنامه از سفرای ایران». نشریه وزارت خارجه، ش ۳، ج ۱: ۲۶-۳۷.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵). میرزاتقی خان امیرکبیر. به اهتمام ایرج افشار. تهران: توس.
- بیانی، خانبابا (۱۳۵۴). فهرست بخشی از اسناد و عهدنامه ها و سفرنامه ها و رساله های دوره قاجاریه. (نشریه شماره ۲). تهران: مرکز بررسی و تنظیم اسناد وزارت امور خارجه.
- حائری، عبدالحسین (۱۳۹۰). فهرست نسخه های خطی مجلس شورای اسلامی. ج ۹. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ساسانی، خان ملک (۱۳۵۴). یادبودهای سفارت استانبول. تهران: بابک.

- صالحی، نصرالله (۱۳۷۷). اسنادی از روند انعقاد عهدنامه دوم ارزنة الروم. تهران: وزارت امور خارجه.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۶). «واکاوی اقدامات درویش‌پاشا در نخستین کمیسیون تحدید حدود ایران و عثمانی/ ۱۲۶۶-۱۲۶۸ هجری قمری». فصلنامه پژوهش‌های علوم تاریخی، س ۹، ش ۲: ۷۱-۹۰.
- صفری آق‌قلعه، علی (۱۳۹۰). نسخه‌شناخت (پژوهشنامه نسخه‌شناسی نسخ خطی فارسی). تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- فرهاد معتمد، محمود (۱۳۲۶). سپهسالار اعظم. ج ۲: تاریخ روابط سیاسی ایران و عثمانی. تهران: کتابخانه ابن‌سینا.
- فهرست اسناد مکمل قاجاریه (۱۳۸۳). جلد‌های ۵۴-۶۴. تهران: مرکز اسناد وزارت خارجه.
- کریمیان، علی (۱۳۸۵). «میرزاجعفرخان مهندس‌باشی (از پیشگامان مهندسی نوین در ایران)». گنجینه اسناد، ش ۶۳: ۷۳-۹۹.
- [قائم‌مقامی، جهانگیر]. مقدمه ← مشیرالدوله (۱۳۴۶).
- گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی در دوره قاجار (۱۳۶۹). ج ۱: ۱۲۱۱-۱۲۷۰ ق. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۵۴). تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران. ۲ جلد. تهران: دانشگاه تهران.
- مشیرالدوله، میرزاجعفرخان (۱۳۴۶). «اصل و رونوشت رساله تحقیقات سرحدیه». مجله بررسی‌های تاریخی، سال دوم، ش ۱: ۱۲۸-۱۴۴.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۴۸). رساله تحقیقات سرحدیه. به کوشش محمد مشیری. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- \_\_\_\_\_ رساله تحقیقات سرحدیه. دست‌نویس ش ۴۳۲۶/۱۷ کتابخانه ملی ملک.
- \_\_\_\_\_ رساله تحقیقات سرحدیه. دست‌نویس ش ۱۷۹۶۸-۵ کتابخانه ملی.
- \_\_\_\_\_ رساله تحقیقات سرحدیه. دست‌نویس ش ۲۷۷۵ کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- \_\_\_\_\_ رساله تحقیقات سرحدیه. دست‌نویس ش ۳۳۸۹۶ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- \_\_\_\_\_ رساله تحقیقات سرحدیه. دست‌نویس ش ۸۱۴۲۴۸ کتابخانه ملی.

- مینوی، مجتبی (۲۵۳۶=۱۳۵۶ش). «اولین کاروان معرفت». در: تاریخ و فرهنگ. تهران: خوارزمی.
- نصیری، محمدرضا (۱۳۷۱). اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه). تهران: کیهان.
- Ateş, Sabri (2013). *The Ottoman-Iranian Borderlands: Making a boundary 1843-1914*, Cambridge University Press.
- Aykun, İbrahim (1995). *Erzurum Konferansı (1843-1847) ve Osmanlı-İran Hudut Antlaşması*, Atatürk Üniversitesi, Sosyal Bilimler Enstitüsü Tarih Anabilim Dalı, Doktora Tezi, Erzurum.
- Sarıkçıoğlu, Melike (2013). *Osmanlı-İran Hudut Sorunları (1847-1913)*, ANKARA.

